

نام و نام خانوادگی:	نام پدر:	ساعت شروع: ۱۱ صبح	مدت امتحان: ۴۰ دقیقه
سؤالات امتحان هماهنگ درس: املای فارسی	پایه نهم	تعداد کل صفحات: یک صفحه	شماره صفحه: یک
اداره سنجش آموزش و پرورش استان کرمانشاه	تاریخ امتحان: ۱۳/۳/۱۳۹۸	امتحانات نوبت خرداد ماه ۱۳۹۸	

بارم	متن املای تقریری
------	------------------

۲۰ نمره	<p>در زمین، نگاه کن که چگونه بساط تو ساخته است و جوانبِ وی فراخ گسترانیده و از زیر سنگ های سخت، آب های لطیف روان کرده، تا بر روی زمین می رود و به تدریج بیرون می آید. در وقت بهار بنگر و تفکّر کن که زمین، چگونه زنده شود و چون دیبای هفت رنگ گردد، بلکه هزار رنگ شود.</p> <p>دوستی و پیوند با دیگران، یکی از مهم ترین نیازهای انسان است. دوستان در تمام لحظه های زندگی، خوشی و ناخوشی، به ما کمک می کنند. مُصاحبت با یک دوست خوب و شکیبا، همچون وزش نسیم دل انگیزی است که احساس آرامش و سبکی و صفای درون را در ما زنده می سازد. این همزیستی و همدلی اقوام ایرانی، پشتوانه ای بسیار شکوهمند برای وطن است و سدّی استوار به بلندای اراده پهلادین ایرانیان، پدید می آورد و میهن را در آوردگاه ها، از گزند دشمنان و آهرمن خویان می رهاند.</p> <p>چون رابعه بزرگ شد، پدر و مادرش بمردند و در بصره قحطی عظیم پیدا شد و خواهران متفرّق شدند و رابعه به دست ظالمی افتاد. او را به چند درم بفروخت. آن خواجه او را به رنج و مشقت، کار می فرمود.</p> <p>پس، داده است خداوند علیم به آدمی آنچه صلاح دین و دنیای او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امری چند را که در شأن و طاقت او نیست دانستن آنها؛ مانند امور آینده و آنچه در دل های مردم است و مانند اینها.</p> <p>من و شاهزاده کم کم با هم دوست شدیم. من هر روز چیزی از سیّاره و از عزیمت و از مسافرت او می فهمیدم. مثلاً پی بردم که شاهزاده در سیّاره خود، گلی دارد که بیش از حد به او مهر می ورزد.</p> <p style="text-align: center;">« پیروز و پاینده باشید »</p>
------------	---

نام و نام خانوادگی:	نام پدر:	ساعت شروع: ۱۱ صبح	مدت امتحان: ۴۰ دقیقه
سؤالات امتحان هماهنگ درس: املا فارسی	پایه نهم	تعداد کل صفحات: یک صفحه	شماره صفحه: یک
اداره سنجش آموزش و پرورش استان کرمانشاه	تاریخ امتحان: ۱۳۹۸/۳/۱۳	امتحانات نوبت خرداد ماه ۱۳۹۸	

بارم	متن املا
------	----------

۲۰ نمره	<p>متن املاي زير را مطالعه نماييد و شكل درست واژه هاي داخل كمانك را انتخاب كنيد.</p> <p>در زمين، نگاه كن كه چگونه (بسات - بساط) تو ساخته است و جوانبِ وي فراخ (گسترانیده - گسترانیده) و از زير سنگ هاي سخت، آب هاي لطيف روان كرده، تا بر روي زمين مي رود و به تدريج بيرون مي آيد. در وقت بهار بنگر و تفكر كن كه زمين، چگونه زنده شود و چون ديبياي هفت رنگ گردد، بلكه هزار رنگ شود.</p> <p>دوستي و پيوند با ديگران، يكي از مهم ترين نيازهاي انسان است. دوستان در تمام (لحظه هاي زندگي - لحظه هاي زندگي)، خوشي و ناخوشي، به ما كمك مي كنند. (مُصاهبت - مُصاحبت) با يك دوست خوب و شكيبا، همچون وزش نسيم دل انگيزي است كه (احساس - اهساس) آرامش و سبكي و (صفاي درون - صفاي درون) را در ما زنده مي سازد.</p> <p>اين همزيستي و همدلي اقوام ايراني، پشتوانه اي بسيار (شكوهمند - شكوحمند) براي وطن است و (سدي - سدي) استوار به بلنداي اراده پولادين ايرانيان، پديد مي آورد و ميهن را در آوردگاه ها، از (گزند - گزند) دشمنان و (اهرمن خويان - اهرمن خويان) مي رهاند.</p> <p>چون رابعه بزرگ شد، پدر و مادرش بمردند و در بصره قحطي (عظيم - عظيم) پيدا شد و (خاهران - خاهران) متفرق شدند و رابعه به دست (ظالمي - ظالمي) افتاد. او را به چند درم بفروخت. آن خواجه او را به رنج و (مشقت - مشقت)، كار مي فرمود.</p> <p>پس، داده است خداوند علیم به آدمی آنچه (صلاح دين - صلاح دين) و دنياي او در آنهاست و منع کرده است از آدمی، دانستن امري چند را كه در (شآن - شآن) و طاقت او نيست دانستن آنها؛ مانند (امور آينده - عمور آينده) و آنچه در دل هاي مردم است و مانند اينها.</p> <p>من و شاهزاده كم كم با هم دوست شدیم. من هر روز چيزي از سياره و از (عظيمنت - عظيمنت) و از مسافرت او مي فهميدم. (مثلاً - مثلاً) پي بردم كه شاهزاده در سياره خود، گلي دارد كه (بيش از هَد - بيش از حد) به او مهر مي ورزد.</p> <p style="text-align: center;">« پيروز و پاينده باشيد »</p>
------------	---